

چرا 19 اردیبهشت 1384 عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و عوامل نیروهای امنیتی با هماهنگی و شدت کامل به محل دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد حمله ور شدند؟

بعد از انقلابی که در سال 57 در کشور بوجود آمد و سهم بسزایی که کارگران و سندیکاهای کارگری در سرنگونی حکومت سلطنتی داشتند، کارگران نقش و حضور و تاثیر گذاري خودشان را در مسائل اجتماعي و سياسي نشان دادند و در واقع این قدرت تعیین کننده را به نمایش گذاشتند. و به همین دلیل تشکل های مستقل ازاد کارگری مختلفی بعد از انقلاب در کارگاه ها و کارخانه در کشور شکل گرفت و از آنجا که بیشتر این تشکل هاو فعالین کارگری از نظر حکومت از گروه های چپ محسوب می شدند و از نظر حاکمیت همخوانی با انقلاب اسلامی نداشتند، سرکوب گسترده ای در دهه 60 با تشکل ها و سندیکا های کارگری صورت گرفت. بطوری که فعالین کارگری یا به زندان رفتند و یا از کشور گریختند، و بستری از قبل آماده شد برای حضور تنها تشکل کارگری مورد حمایت حاکمیت بنام خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار که یکی از عوامل خانه کارگر بودند، بهترین گزینه برای جامعه کارگری مورد تایید حکومت بودند، هم از منافع دولت و هم از منافع کار فرما حمایت می کردند و در اصل با زوری مشورتي مدیریت یا کار فرما بودند. و در واقع هیچ اطلاعاتی در مورد حقوق کارگران و قانون کار نداشتند و بهترین فرمانبردارهایی بودند که می توانستند از رشد و آگاهی کارگران نسبت به حقوقشان جلوگیری کنند. در اکثر کارخانه ها بجای نماینده واقعی کارگران منصوب شدند. بطور نمونه در شرکت واحد هم شوراهای اسلامی کار، خودش را جایگزین سندیکای شرکت واحد کرد. با آشفته گی که در دوران جنگ و فضای حاکم بود هر اعتراضی با سرکوب شدید و بنام ضد انقلاب برخورد می شد. به همین دلیل خانه کارگر و مجموعه های دست ساز آنها شورای اسلامی کار به میدان آمدند و بدون هیچ نفس کشی شروع به چاپیدن کارگران و دست آورد های آنها که با زحمات پیشکسوتان سندیکایی و فعالان کارگری در طی سالها بدست آمده بود کردند. از این رو شوراهای اسلامی کار با همکاری پلیس امنیت و مدیریت شرکت واحد در دهه 70 در شرکت واحد شکل گرفت و از همان ابتدا بدون برگزاری مجمع و بدون نظر کارگران، کار خودشان را به عنوان نمایندگان کارگران و رانندگان در شرکت واحد آغاز کردند و از آنجایی که قبلا با وزارت کار و دیگر نهاد های امنیتی هماهنگ بودند. از نظر قانونی هم با مشکلی مواجه نشدند. برخورد کارگران آگاه با این نمایندگان خود خوانده هزینه ای چون زندان و اخراج در پی داشت، به همین دلیل سالها حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد با توجه به اینکه نزدیک به 17 هزار تن بودند پایمال می شد و از کمترین امکانات رفاهی و بهداشتی و معیشتی برخوردار بودند، و هر زمان هم چند تن از رانندگان اعتراضی می کردند بلافاصله با همکاری شوراهای اسلامی کار و حراست شرکت واحد و مدیریت از کار بیکار می شدند و هیچ حق و حقوقی هم به آنها تعلق نمی گرفت. به همین جهت اواخر سال 84 که با همکاری هیئت موسسین سندیکاها جلساتی در محل خبازان تهران واقع در میدان حسن آباد شکل گرفت در مدت زمان کوتاهی مرتب به تعداد رانندگان شرکت واحد که در این جلسات شرکت می کردند افزوده می شد و در همین جلسات رانندگان با اندک زمانی اطلاعات حقوقی کارگری ارزشمندی بدست آوردند که دیگر چون سابق از کار فرما بیم نداشتند و با جسارت تمام در مقابل شوراهای شرکت واحد ایستادگی کردند و خواهان برکناری این نمایندگان منصوب شده از طرف کار فرما بودند. رانندگان خواستار برگزاری انتخابات سندیکا در شرکت واحد شدند و همین باعث شد که عوامل امنیتی و شوراهای اسلامی کار و عوامل پایه گذار و بلند پایه خانه کارگر حتی خود آقای محبوب نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی به فکر چاره بیافتند و قبل از تشکیل سندیکا شرکت واحد این سندیکا نو پا را در نطفه خفه کنند به همین دلیل و با توجه به اینکه شکل گیری سندیکای شرکت واحد احتمال شکل گیری سندیکاهای کارگری دیگر را به ارمغان خواهد آورد، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و عوامل امنیتی و با همکاری مدیریت شرکت واحد در روز روشن در حضور گسترده نیروهای پلیس که نظارگر بودند با تعدادی عوامل چماقدار که شعار های مرگ بر منافق سر می دادند در ساعت ده صبح 19 اردیبهشت سال 84 به محل خبازان واقع در حسن آباد دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد حمله ور شدند و بعد از شکستن و خرد کردن شیشه ها و زخمی کردن اعضای سندیکا و سرقت تمام اموال سندیکا بر احتی سوار بر اتوبوسهای آماده شده از قبل شدند و به خیال از بین بردن و خفه کردن سندیکا به مناطق اعزامیشان راهی شدند و با پخش شرینی این سرکوب را جشن گرفتند. غافل از اینکه کارگران در همان زمان کوتاه به آگاهی لازم رسیده بودند و این بار حاضر شدند هزینه زندان و اخراج را با جان و دل بخرند. و دیگر شعارهای تکراری و بی محتوا ی چماقدار هاو عوامل گروه فشار تاثیر بر روی کارگران آگاه نگذاشت. و افکار عمومی داخل و حتی در دنیا این عمل ضد کارگری را محکوم کردند. کارگران و رانندگان شرکت واحد سالها به دنبال این فرصت بودند که ماهیبت این زالو صفتان را که با از بین بردن و نادیده گرفتن حقوق دیگران زندگی را سپری میکنند آشکار کنند که این خود برگی برنده برای رانندگان سندیکایی، و برگی ننگین در پرونده عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار است که تا تاریخ زنده باشد به ماندگار خواهد ماند و پاک نخواهد شد. این اقدام ضد کارگری نتیجه ای معکوس داد و باعث گردید کارگران و رانندگان بیشتری از سندیکا استقبال کنند، و در مورخ 13 خرداد 84 اولین مجمع کارگران سندیکایی در همان محل خبازان برگزار گردید. هر چند که تا کنون این فشارها و اخراج های اعضای سندیکا ادامه دارد و در حال حاضر سه تن از اعضای راننده این سندیکا از کارشان اخراج گردیده اند و چندین تن از اعضای هیئت مدیره و فعال هنوز بعد شش سال بیکاری با توجه به بازگشت بکار به حق و حقوقشان نرسیده اند، اما اتحاد و همبستگی رانندگان و کارگران شرکت واحد منسجم تر شده و هرگز

همکاران خود را تنها نگذاشته و همواره یاریشان می دهند، با سپاس و درود بر تمام کارگران و رانندگانی که تا به امروز بخاطر تشکیل این سندیکا صدمات و هزینه های زیادی پرداخته اند و هنوز همچون کوهی استوار در راه حقوق کارگران تلاش و ایستادگی می کنند. با درود به همه عزیزانی که در این سالها سندیکای شرکت واحد و اعضایش را یاری رسانده و یاری می کنند. ما همچنان تا بر پایی ایجاد تشکیل سندیکاهای تشکل های مستقل کارگری به مبارزه خود ادامه خواهیم داد به امید پیروزی و آزادی همه کارگران. با آرزوی آزادی رضا شهبای عضو هیئت مدیره سندیکای زندانی شرکت واحد و دیگر فعالان کارگری در بند.

داوود رضوی از فعالان سندیکایی داخل کشور

92/2/19